

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شباهنگ راد
۱۷ اپریل ۲۰۲۳

درخواست راست‌ها از راست‌ها

جاروجنگال، گفت‌مان راست‌ها و منشور شش «نخبه» سیاسی به‌منظور «برون‌رفت» از نظام امپریالیستی حاکم در ایران [تا حدودی] در فضای خارج از مرزها سایه انداخته است. گفت‌مان و منشور «رهایی» ای که مطابق با خواسته‌های بخشی از راست‌های وابسته به سرمایه [آن‌هم باکم سویی بیش‌ازپیش] در حال انجام است و متعاقباً تدوین‌کنندگان منشور بر آن‌اند تا از مجرا راست‌ها [یعنی از سوی قدرت‌مداران بزرگ] جامعه ایران را از شر سردمداران نظام جمهوری اسلامی نجات دهند! اگرچه دلیل هیاوهی آن‌ها [از زمان اعتراضات زنان و دختران، جوانان و دیگر توده‌های ستمدیده] در خارج از کشور دخالت در دو موضوع دارد؛ اول به فقدان نیروی کمونیستی سازمان‌یافته و انقلابی در درون مربوط و دوم [مهم‌تر] تلاش برای به انحراف کشاندن جنبش‌های اعتراضی رادیکال برای حفظ سیستم و مناسبات بالایی‌ها است. در هر صورت هدف نوشته [کوتاه] فعلی پرداختن به موضوع اول و چرایی آن نیست بلکه اشاره به دست‌وپا زدن راست‌ها و پس‌ازاین وضعیتی است که در محیط بیرون از مرزها سایه انداخته و باعث شده است تا بار دیگر عناصر وابسته به طبقه سرمایه‌داری [همراه با پرخاشگری و توهین به مخالفین خارج از کشور] خیز بردارند و ریاکارانه ادعای قائم‌مقامی اعتراضات داخل جامعه فلاکت‌بار کنند!

بطوریقین چنین وضعیتی خاص ایران نیست و دیده‌شده است هرچقدر اعتراضات و خیزش‌های درون جامعه از حکومتیان و غیر حکومتیان فاصله می‌گیرند، تقلاً مدافعین مناسبات امپریالیستی، بیش و بیشتر می‌شود. موضوعی که ما چند وقتی در خارج از کشور به سردگی عنصر فاسدی همچون رضا پهلوی شاهد بوده‌ایم؛ عنصری که سر از نظام غارت و سرکوب درآورد و رشد کرد و همراه با آن نقش فراوانی در غارت اموال عمومی و ثروت‌های جامعه داشته است. با این اوصاف نمی‌شود نقش، جایگاه منشور و نیز سازمان دهندگان آن را خارج از این چهارچوب‌ها موردبررسی قرارداد؛ یعنی اینکه منشور، جلسه همبستگی [در تورنتو] و در ادامه ایاب و ذهابشان با بالاترین مقامات دولت‌های امپریالیستی، هیچ ربط و نسبتی با خواسته‌ها و نظرات جامعه و مردم تحت ستم ایران ندارد.

مستندتر اینکه جامعه اعتراضی داخل و به‌ویژه چند وقت اخیر بسیار روشن، خط و خطوط خود را با تبلیغات زهرآگین راست‌ها در خارج از مرزها کشیده و مجال و راهی برای تعبیر و تفسیر [دلبخواه] باقی نگذاشته است. بی‌اعتنایی جامعه و جوانان نسبت به ادعای راست‌ها از یک‌طرف و نیز محتوای مفاد منتشره شش تن، از طرف‌دیگر جز بی‌علاقگی پائینی‌ها نسبت به منشور موردعلاقه بالایی‌ها نیست. زیرا که هیچ گفت‌مان و بندی از منشور، مطابق با

خواسته‌های کارگران، زحمت‌کشان، خلق‌های ستمدیده و دیگر قربانیان نظام امپریالیستی گفته و نوشته نشده است. برای اینکه تنظیم‌کنندگان آن بر این نظرند تا از طریق و با کمک راست‌ها، راست‌های حاکم در ایران را به زیر کشند. این‌ها نه ادعا و یا تحریف حقایق بلکه خواست و طلب علنی راست‌های غیر حکومتی است و آن را بارها و بارها، در جلسات و در کمپین‌های متفاوت اعلام کرده‌اند؛ جلسات، کمپین‌ها و منشوری که در مدت‌زمانی کوتاه، باد آن‌ها خوابیده است و کسی برای آن به‌غیر از تعداد معدودی از خودی‌هایشان در خارج از مرزها، تره هم خورده نکرده است.

به‌راستی و خارج از تقلا عناصر وابسته به سرمایه مگر مردم و جوانان اعلام نکرده‌اند که نظام جمهوری اسلامی حاصل بندوبست‌های قدرت‌مداران بین‌المللی است؟ مگر اعلام نکرده‌اند که از کانال راست‌ها و حامیان بی‌چون‌وچرای نظام جمهوری اسلامی نمی‌شود جامعه را از شر مناسبات سرمایه‌داری نجات داد و آزادی و رهایی را به ارمغان آورد؟ بالاخره مگر اعلام نکرده‌اند که عامل و بانی چنین وضعیتی مناسبات امپریالیستی حاکم در ایران است؟ محرز است که جامعه اعتراضی مطالبات خود را دارد و نیز محرز است که قصد و مقصود راست‌های رانده‌شده، عناصر و مدافعین نظام پیشین، وظیفه‌شان حفظ و حراست از سیستم و مناسبات مطابق با جامعه کنونی است. زیرا که نه جایگاه سیاسی و کارکردهای برگزارکنندگان جلسه همبستگی و تدوین‌کنندگان منشور، در مخالفت باسیاست‌های جناح‌های متفاوت امپریالیستی بوده و هست و نه قادر به همراهی با خواسته‌ها و مطالبات میلیون‌ها انسان دردمند هستند؛ بگذریم از اینکه بعضاً گردانندگان و نویسندگان منشور در دوره‌های متفاوت از آشخور نظام سرمایه‌داری وابسته جمهوری اسلامی تغذیه‌شده‌اند و در سرکوب و درگیری و به بند کمونیست‌ها، زنان و همچنین در تمکین به سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی سابقه درخشانی دارند؛ بگذریم از اینکه همراه با سپاه پاسداران یعنی یکی از وحشیانه‌ترین ارگان بقای امپریالیستی در پی تغییر نظام حاکم در جامعه هستند. واضح‌تر اینکه یکی ریاکارانه لباس مخالفت با نظام را به تن کرده است، یکی تعبیر نظام سیاسی ایران را در انتقام‌گیری شخصی تعبیر و تفسیر کرده است، یکی علل مخالفتش نه باسیاست‌ها و به بند کشیدن زنان بلکه در طرد وی [توسط بعضاً حکومتیان] از میدان سیاسی است، یکی در قامت دفاع از حقوق بشر و به رسمیت شناختن حقوق پایه‌ای مردم، همسو با حامیان سرمایه شده است و خلاصه دیگری هم به بهانه دفاع از خلق ستمدیده گرد، در فروش بیش‌ازپیش آرمان توده‌های خلق ستمدیده گرد به‌نظام امپریالیستی است. در بستر چنین واقعیاتی است گفته می‌شود منشورشان فاقد اعتبار به‌منظور تغییر جامعه است. زیرا که همه آن‌ها دروغ‌گو و ریاکار هستند و هدفشان تداوم سیاست‌ها و مناسبات غارتگرانه و سرکوبگرانه امپریالیستی است.

به‌عبارت‌دیگر و برخلاف نظر راست‌ها و مدافعین منشور، دلیل آوارگی میلیون‌ها توده دردمند ارمغان همه حکومت‌های وابسته به‌نظام امپریالیستی است. بحث جامعه و دلیل عقب افتادن خواسته‌های کارگری و توده‌ای در تغییر شکل‌های حکومتی از سوی بالایی‌ها [قدرت‌مداران بین‌المللی] نیست؛ چراکه جامعه و مردم مشتاق و طالب تغییر ظاهری و جابجایی عناصر وابسته به طبقه سرمایه‌داری نیستند و در این رابطه منشور خود را [برخلاف منشور شش تن] بارها و بارها و به اشکال متفاوت اعلام کرده‌اند. این را نزدیک به پنجاه سال قبل بگوش اربابان شش «نخبه» سیاسی رسانده‌اند تا جائیکه حامیان نظام پیشین را وادار کرده است عناصر و شکل حکومتی دیگری را به مردم تحمیل و بر سرکار گماردند. علیرغم چنین حقیقت ثابت و روشنی، همچنان عده‌ای در بیرون از مرزها دارند آواز برقراری نظام گذشته را سر می‌دهند و در فکر جایگزینی حکومت [با مختصات سابق و] از نوع نظام جمهوری اسلامی هستند. از یک‌طرف موضوع و مسئله‌ای محال و از طرف‌دیگر کمک به زنده نگه‌داشتن حافظه تاریخی جمعی، از رفتار و کردار نظام گذشته نسبت به بدیهی‌ترین خواسته‌های کارگری و توده‌ای، جوانان و زنان است. بگذارید رضا پهلوی همراه با هوادارانش و نیز با تلخک‌هایی همچون مسیح علی‌نژاد فضای سیاسی خارج از کشور را مه‌آلود کنند و برای

خوش خدمتی اربابانشان گوی سبقت را از یکدیگر بریابند؛ بگذارید با ثروت و با امکانات به ارث برده شده و بخصوص با استفاده از ارگان‌های تبلیغاتی امپریالیستی حقایق را وارونه جلوه دهند و به‌صفت مخالفین چندین دهه حکومت‌های امپریالیستی حمله کنند؛ اما آنچه آشکار شده است هم پوشه نظام [با شکل و شمایل] پیشین بسته شده است و هم تا زمانی که ریشه نظام‌های امپریالیستی در ایران سوزانده نشود، جنگ کارگران، زحمت‌کشان، جوانان و دیگر توده‌های محروم و کمونیست‌ها با دار و دسته‌های متفاوت طبقه سرمایه‌داری وابسته پردوام و ادامه خواهد داشت. تردید و سوالی نیست که پیشرفت اعتراضات درون جامعه علیرغم کاستی‌ها و نارسایی‌ها، در همسویی و در همگرایی با تدوین‌کنندگان منشور و حامیان بی‌چون و چرای نظام امپریالیستی نیست. نیز تردید و سوالی نیست که تقلا و ادواطوارهای سیاسی شش تن، رسوایی بیش‌ازپیششان در انظار عمومی و بخصوص در میان نسل معترض کنونی است. چراکه از آن بالایی‌ها هستند و از زمره سوپاپ اطمینان امپریالیست‌ها به‌حساب می‌آیند. پس تعیین نوع حکومتشان آن‌هم با هر لفظ و فرم [همچون «دولت گذار»] فرقی با حکومت حاکم در ایران [یعنی جمهوری اسلامی] ندارد.

خلاصه طبقه کارگران، زحمت‌کشان، زنان، دختران و جوانان پیرو شکل‌های حکومتی معادل با منفعت خود و دیگر قربانیان نظام امپریالیستی هستند و بدین ترتیب نوع حکومت و محتوای برنامه و سیاستشان، ماهیتاً متفاوت با تنظیم‌کنندگان منشور رضا پهلوی و دیگر دار و دسته‌های متفاوت طبقه سرمایه‌داری است.

۱۶ آپریل ۲۰۲۳

۲۷ فروردین ۱۴۰۲